مجله علمی پژوهش درعلوم انسانی ومطالعات اجتماعی، شماره ۸، جلد دوم، تابستان ۱۳۹۶، ص ۲۸-۱۴
http://www.jhss.ir

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال سوم)
شماره ۸ / جلد دوم/ تابستان ۱۳۹۶ / ص ۲۸- ۱۴

ارزیابی انواع الگوهای بانکداری اسلامی

یعقوب محمودیان [۱]
[۱] عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

نام و نشانی نویسنده مسئول:
نام و نام خانوادکی
یعقوب محمودیان

چکیده

الگوهای مختلفی در بانک‌داری به منظور تجهیز و تخصیص بهینهٔ منابع بانکی با یکدیگر در حال رقابت هستند. در این میان، الگویی موفق‌تر است که بتواند خود را با میزان بالاتری از شاخص‌های بانک‌داری مطلوب مطابقت دهد. بانک‌داری اسلامی نیز از این امر مستثنا نیست. بنابراین، الگوهایی که در بانک‌داری اسلامی مطرح می‌شود، همگی از میزان مطلوبیت یکسانی برخوردار نیست، بلکه درجات گوناگونی از حیث مطابقت با شاخص‌های بانک‌داری اسلامی مطلوب در بین آن‌ها وجود دارد. در این بین باید الگویی انتخاب شود که بیشترین تطابق را با نیازها و دستورات و شاخص‌های اسلامی داشته باشد و در عین حال دارای کارایی لازم بوده و رقابت‌پذیر باشد. در مقاله حاضر الگوهای مختلف بانکداری اسلامی مورد تتبع و بررسی قرار گرفته است، تا از این طریق بتوان به نقاط ضعف و قوت الگوهای مختلف پی برده و در تدوین الگوی ایده‌آل مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، الگو، وکالت، مشارکت، ربا.

مقدمه

در دهه اخیر توسعه صنعت بانکداری اسلامی در سطح بین‌المللی با رشد چشم‌گیری مواجه بوده است و انواع مختلفی از موسسات مالی اسلامی (شامل بانک‌های اسلامی) در کشورهای مختلف اسلامی و غیراسلامی تشکیل شده‌اند و به فعالیت مشغولند. به نظر می‌رسد مطالعه این تجارب و مقایسه آن با الگوی بانکداری بدون ربای ایران، می‌تواند به اجرای بهتر این نوع بانکداری در کشور کمک شایانی کند.

نهاد بانک از جایگاه برجسته‌ای در اقتصاد امروز برخوردار است. بر همین اساس، الگوهای مختلفی در بانک‌داری به منظور تجهیز و تخصیص بهینهٔ منابع بانکی با یکدیگر در حال رقابت هستند. در این میان، الگویی موفق‌تر است که بتواند خود را با میزان بالاتری از شاخص‌های بانک‌داری مطلوب مطابقت دهد. بانک‌داری اسلامی نیز از این امر مستثنا نیست. بنابراین، الگوهایی که در بانک‌داری اسلامی مطرح می‌شود، همگی از میزان مطلوبیت یکسانی برخوردار نیست، بلکه درجات گوناگونی از حیث مطابقت با شاخص‌های بانک‌داری اسلامی مطلوب در بین آنها وجود دارد. در این بین باید الگویی انتخاب شود که بیشترین تطابق را با نیازها و دستورات و شاخص‌های اسلامی داشته باشد و در عین حال دارای کارایی لازم بوده و رقابت‌پذیر باشد.

آنچه در قانون فعلی بانکداری بدون ربا دنبال شده است، تفکر جایگزین و یک به یک بانکداری بدون ربا با بانکداری متعارف ربوی است. شیوه تطبیقی که در نوع خود یک انفعال مزمن است که به دیگر عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نیز راه یافته است و تصور می‌کند که با تغییر نام و تبدیل ابزار، ماهیت آن‌ها نیز تغییر می‌کند. با این تلقی، بهره به سود، اوراق قرضه به اوراق مشارکت، تنزیل مجدد به خرید دین تبدیل شد و همراه با صوری شدن قراردادهای بانکی، اقتصاد متعارف در تاروپود نظام بانکی جای گرفت. روش‌شناسی تدوین قانون بانکداری

بدون ربا اصل تطابق نعل به نعل با بانکداری متعارف را پیشنهاد می‌کند. از این منظر اگرچه در برخی موارد توانستیم ظاهر معاملات بانکی را تغییر دهیم، اما در عین حال از عوارض بطنی و ماهیتی متغیرهای غیراسلامی در امان نبودیم. با این تفاسیر به نظر می‌رسد قانون بانکداری باید اسلامی باشد نه اینکه تنها ربا از آن حذف شود. توضیح اینکه حذف ربا از نظام بانکداری متعارف ممکن نیست مگر اینکه ساختار آن کاملا متحول شود.

۱- الگوهای اجرا شده بانکداری اسلامی

۲,۱ الگوی بانکداری بدون ربای ایران

پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ و متعاقب آن، تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی، تدوین قانون اساسی و تشکیل نهادهای مختلف، یکی از ضرورت‌هایی که به فوریت در دستور کار نظام اسلامی قرار گرفت، تغییر تدریجی سیستم بانکداری کشور به بانکداری بدون ربا بود، که طی یک پروسه‌ی هشت مرحله‌ای و با ملی کردن بانک‌ها توسط شورای انقلاب، در خرداد ۱۳۵۸ ، شروع و با تصویب قانون بانکداری بدون ربا در سال ۶۳ و اصلاح آن در سال ۶۹ ، انجام گرفت (میرجلیلی، ۱۳۷۲: ۷۳).

نخستین گام در راه حذف بهره از نظام بانکی کشور بر اساس مصوّبهٔ سوم دی‌ماه ۱۳۵۸ «شورای پول و اعتبار» برداشته شد و ضمن کاهش نرخ بهره، نام آن در نظام بانکی به «حداکثر کارمزد دریافتی» و «حداقل سود تضمین شده» تغییر یافت. اما چون این اقدامات نمی‌توانست نظام حاکم بر بانک‌داری کشور را از لحاظ ماهیت تغییر دهد، در اجرای تبصره ۵۴ قانون بودجه سال ۱۳۶۰ دولت مکلف گردید که از زمان اجرای این قانون برای حذف ربا و اصلاح نظام بانکی کشور در اسرع وقت مطالعات لازم را انجام و نتایج امر را حداکثر طی شش ماه به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید. بدین‌سان، «قانون در بانک‌داری بدون ربا» در جلسه علنی روز سه‌شنبه هشتم شهریورماه ۱۳۶۲ به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ دهم شهریور ماه، مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت و به‌منظور اجرا، به دولت ابلاغ گردید. قانون «بانک‌داری بدون ربا» با ۲۷ ماده شامل پنج فصل(به ترتیب، با عناوین اهداف و وظایف نظام بانکی در جمهوری اسلامی ایران، تجهیز منابع پولی، تسهیلات اعطایی بانکی، بانک مرکزی ایران و سیاست پولی و متفرقه) است (شعبانی و سیفلو، ۱۳۹۰: ۸۲).

در ایران برای انجام عملیات سپرده‌گذاری بدون ربا از رابطه‌ی حقوقی قرض‌الحسنه و وکالت استفاده شده است. بخشی از نارسایی‌های بانکداری بدون ربا در سپرده‌گذاری می‌تواند ناشی از عدم به کارگیری صحیح این عقود باشد (سیفلو، ۱۳۸۹: ۶۷).

در بانکداری بدون ربا، بانک دو نوع وجوه مالی دریافت می‌کند، یک نوع قرض‌الحسنه و دیگر سپرده سرمایه‌گذاری است. در مورد پس انداز قرض الحسنه مهمترین انگیزه باید انگیره معنوی باشد، وجود قوت این انگیره در جامعه به روحیه معنوی و دوستی مردم بازمی‌گردد. اگر این روحیه در مردم قوی باشد، رقم پس‌انداز افزایش می‌یابد و اگر ضعیف باشد این رقم کاهش می‌یابد.

اهرم دیگر جذب پس انداز جوایز بانکی است که از نظر شرعی نیز بلا مانع است[۱]، ولی این اهرم در بانکداری ربوی نیز وجود دارد. بنابراین، بانکداری ربوی از یک اهرم مادی قوی در جذب پس انداز برخوردار است. یعنی نرخ بهره در بانکدار ی بدون ربا وجود ندارد؛ البته اگر در جامعه در زمینه انگیزه‌های معنوی و مردم دوستی تبلیغ لازم انجام شود، به علاوه برای جبران کاهش ارزش پول در صورت وجود تورم اقدام اساسی صورت گیرد یا جلوی کاهش ارزش پول گرفته شود تاحدود زیادی این نقص جبران می‌شود.

در مورد سپرده‌های سرمایه‌گذاری، بانکداری بدون ربا از اهرم سود انتظاری و علی‌الحساب استفاده می‌کند. این اهرم تا حدودی موثر است به خصوص در صورت نبودن بانک ربوی رقیب اما در مقایسه با بانکداری ربوی این اهرم کارایی سود قطعی بانک ربوی را ندارد مگر آنکه همواره نرخ سود انتظاری بانک بالاتر از نرخ بهره متعارف باشد که چنین چیزی شاید ممکن نباشد.

نکته مهم دیگر فقدان اهرم کافی برای جذب سپرده‌های حساب جاری در بانکداری بدون رباست، زیرا با تحریم ربا نمی‌توان به این گونه سپرده‌ها بهره پرداخت و حال آن که در بانکداری ربوی می‌توان براین نوع سپرده‌ها نیز بهره افزود (میرجلیلی،۱۳۷۴: ۱۶۰و۱۶۱).

این یک واقعیت است که تجهیز و تخصیص به هم مرتبطند و ما هر قدر بخواهیم تخصیص بزرگ‌تر و در مقیاس وسیع‌تری داشته باشیم باید تجهیز را در سطح گسترده‌تری انجام دهیم (محقق‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۳۰). نظام بانکداری اسلامی ایده‌آل باید با طراحی انواع سپرده‌ها، توان جذب وجوه مازاد همه سپرده‌گذاران را داشته باشد(موسویان و میسمی، ۱۳۹۳: ۶۹۶).

اگر به مقتضای اولیه شیوه‌های تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا عمل شود و بانک‌ها به پی‌آمدهای واقعی سرمایه‌گذاری مستقیم، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه و امثال آنها ملتزم باشند سود بانک‌ها و به تبع آن سود سپرده‌گذاران مدت‌دار سود معینی نخواهد بود، بلکه متغیر و مرتبط با تحولات آتی بنگاه‌های طرف قرارداد و کل اقتصاد خواهد بود و این امر باعث می‌شود که تنها افراد ریسک پذیر، افرادی که حاضرند با سود انتظاری کار کنند، سراغ بانک بیایند؛ در حالی که مشتریان اصلی بانک‌ها، افراد متعارف و ریسک‌گریز هستند: کسانی که

---

۱ .این مسئله بین علما اختلافی است.

دوست دارند درآمد معین و بدون مخاطره از محل سپرده‌شان بدست آورند که این به معنی آن است که بانکداری بدون ربا از جهت نظری برای سپرده‌گذاران اصلی بانک پاسخ مناسب و راهکار قابل قبول ندارد. البته بانک‌های تجاری با نادیده گرفتن ماهیت اولیه قراردادها و انجام معاملات صوری و غیر واقعی، بازدهی تسهیلات اعطایی را تثبیت کرده و نرخ‌های معین به عنوان سود علی‌الحساب به سپرده‌گذارن اعلام و در پایان دوره همان نرخ را می‌دهند و تنها در برخی سال‌ها نسبت به برخی سپرده‌های مشخص تغییراتی داده‌اند (موسویان،۱۳۸۳: ۴۴۴).

میسمی (۱۳۹۴) پس از بررسی تجربه اجرای بانکداری اسلامی در کشورهای گوناگون، تفاوت‌های این الگوها با تجربه بانکداری بدون ربای ایران را به شرح زیر بیان نموده است:

۱. بانکداری بدون ربا در ایران در کل کشور جریان دارد و بانکداری متعارف در نظام بانکی کشور جایی ندارد. این در حالی است که در اکثر کشورهای اسلامی (به جز سودان) نظام دوگانه حاکم است و بانک‌های اسلامی در کنار بانک‌های متعارف به فعالیت مشغول هستند.

۲. بانکداری بدون ربای ایران بر اساس فقه امامیه استوار شده، در حالی که در سایر کشورهای اسلامی، بانکداری اسلامی بر اساس فقه اهل سنت شکل یافته است. فقه مورد عمل در مالزی و اندونزی شافعی، در پاکستان و ترکیه حنفی و در عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس عمدتاً حنبلی است.

۳. در بانکداری بدون ربای ایران قانون مستقل و مرجعی در حوزه بانکداری اسلامی در سال ۱۳۶۲ به تصویب رسیده و از آن زمان به اجرا درآمده است. این در حالی است که در اکثر کشورها قانون مرجعی در این رابطه وجود ندارد؛ هرچند در مالزی، سودان و پاکستان قانون بانکداری اسلامی طراحی شده است.

۴. در نظام بانکداری بدون ربای ایران در بخش تجهیز منابع (سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار) از عقد وکالت استفاده می‌شود در حالی که در اکثر کشورهای اسلامی از سایر عقود مانند مضاربه، ودیعه و عاریه استفاده می‌شود.

۵. در نظام بانکداری بدون ربای ایران از عقد مضاربه تنها در جهت تجارت استفاده می‌شود. به عبارت دیگر عقد مضاربه در الگوی ایرانی بانکداری اسلامی عقدی مضیق (صرفاً مخصوص تجارت و خرید و فروش) است؛ در حالی که در سایر کشورهای اسلامی عقد مضاربه عام بوده و محدود به تجارت نیست. نکته مذکور ناشی از تفاوت‌های موجود بین فقه امامیه و عامه است.

۶. در نظام بانکداری بدون ربای ایران از بیع دین استفاده می‌شود؛ در حالی که در اکثر کشورهای اسلامی از چنین عقدی استفاده نمی‌شود. علت این مساله به طور عمده آن است که در دیدگاه رایج اهل سنت، بیع دین (به ویژه به شخص ثالث)، صحیح نبوده و کاربرد عمومی ندارد.

۷. در نظام بانکداری بدون ربای ایران تنها شورای فقهی بانک مرکزی به فعالیت مشغول است؛ این شورا نیز صرفاً جایگاه مشورتی و پاسخگویی به سوالات دارد و جایگاه حقوقی رسمی در ساختار بانک مرکزی ندارد. در شبکه بانکی نیز اکثر بانک‌ها به ضرورت تاسیس شورای فقهی پی نبرده‌اند و در این زمینه اقدام جدی انجام نداده‌اند (البته بانک مرکزی نیز در این زمینه مقررات کافی وضع نکرده است). در حالی که تقریباً تمامی بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی در سایر کشورها دارای شورای فقهی مستقل هستند.

۸. بانک‌های اسلامی سایر کشورها معمولاً به صورت کاملاً اختیاری بخشی از سود خود را به عنوان زکات پرداخت می‌کنند و این در ترازنامه بانک افشا می‌شود. اما چنین مساله‌ای در نظام بانکی ایران وجود ندارد.

۹. در ایران به سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار سود علی‌الحساب (معمولاً به صورت ماهانه) پرداخت می‌شود و در پایان هر سال نیز سود قطعی بانک برآورد شده و بر اساس آن نرخ سود قطعی که باید به سپرده‌گذاران پرداخت شود، محاسبه می‌شود. در مواردی که نرخ سود قطعی بیش از علی‌الحساب پرداختی باشد، مابه‌التفاوت پرداخت می‌شود. پرداخت سود علی‌الحساب به ندرت در سایر کشورهای اسلامی اتفاق می‌افتد.

۱۰. در ایران بانک‌ها اصل و سود سپرده‌ها را تضمین می‌کنند. در حالی که در اکثر بانک‌های اسلامی سایر کشورها، بانک‌ها هیچ تضمینی به بازگرداندن سود (و حتی اصل) سپرده‌ها ندارند و مشتریان صرفاً از روی اعتمادی که به بانک دارند و با توجه به سوابق مثبت بانک در پرداخت سود، نسبت به افتتاح حساب اقدام می‌کنند (میسمی، ۱۳۹۴: ۱۳۰).

۲,۲ بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین

یکی از طرح‌های مرتبط با بانکداری اسلامی که بطور خاص در بانک ملی ایران اجرایی گردیده است، الگوی بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین می‌باشد. در این نوع از بانکداری، تلاش می‌شود تا بطور عمده از عقود مشارکتی استفاده شده و رابطه مستقیمی بین سپرده‌گذاران و تسهیلات گیرندگان ایجاد گردد. وجه تسمیه عبارت راستین نیز واقعی بودن تمامی فعالیت‌ها و ارتباط آنها با بخش واقعی اقتصاد است (بیدآباد، ۱۳۹۱: ۲۱).

به لحاظ تاریخی طرح بانکداری راستین از اوایل دهه ۱۳۸۰ به عنوان ایده‌ای نظری در پژوهشکده پولی و بانکی مطرح گردید و پس از چندین سال مطالعه، در سال ۱۳۸۶ مورد استقبال بانک ملی ایران قرار گرفت. نهایتا در سال ۱۳۸۹، اولین شعبه بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین در یکی از شعب بانک ملی افتتاح گردید. از آن زمان به بعد این طرح در چندین شعبه بانک ملی مورد استفاده واقع شده است[۲] (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳: ۱۸۹).

هدف این طرح حذف کامل هرگونه شبهه ربا در عملیات بانکی است و از این طریق قدمی بزرگ در اجرای بانکداری اسلامی بدون هرگونه شبهه ربا برداشته شده است. در این طرح سپرده‌گذار در سود و زیان فعالیت اقتصادی وام‌گیرنده سهیم می‌گردد و نرخ دریافت مازاد (بهره) از پیش مشخص و شرط نمی‌شود.

به لحاظ ماهیت، بانک در بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین، واحدی است که به نمایندگی از طرف سپرده‌گذارن منابع سپرده‌ای را به متقاضیان تسهیلات مشارکتی (مجریان طرح‌های سرمایه‌گذاری) تخصیص می‌دهد و طبق قراردادهای مشخصی، سود یا زیان حاصله، بین بانک، سپرده‌گذار و سرمایه‌گذار تقسیم می‌شود. در این حالت بانک با دریافت کارمزد یا مشارکت در پروژه به مشتریان خود خدمات مدیریت سرمایه ارائه می‌دهد.

این نوع از بانکداری دارای ویژگی‌های خاص دیگری می‌باشد؛ به عنوان نمونه، در بانکداری راستین به هیچ وجه سود علی‌الحساب در نظر گرفته نشده و سپرده‌گذار در پروژه‌ایی که مایل باشد، شریک خواهد شد. از این رو، در صورتی که پروژه به سود بالایی دست یابد، سپرده‌گذار از آن منتفع می‌شود و اگر سود نهایی کم باشد باز هم به سپرده‌گذار منتقل می‌شود. علاوه بر این، در این ساختار هر گونه عملیاتی که در بانک انجام می‌شود، بصورت جداگانه بررسی و حسابداری شده و حسابها با یکدیگر مخلوط نمی‌شود (همان).

در بانکداری راستین، سپرده‌گذاران با مجموعه‌ایاز طرح‌ها مواجه هستند که می‌توانند متناسب با سلیقه، تجربه و سابقه خود، در یک یا چند مورد از آن‌ها سپرده‌گذاری کنند. بانک پس از دریافت منابع از سپرده‌گذاران و به نمایندگی از طرف آن‌ها، منابع را به متقاضیان تسهیلات مشارکتی اختصاص می‌دهد. به این صورت که بانک بر اساس عقد جعاله، با سپرده‌گذار قراردادی تنظیم می‌نماید که در ازای دریافت حق الجعاله اقدام به ارائه خدمات مدیریت سرمایه به سپرده‌گذاران می‌نماید. بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذار موظف به حفظ حقوق سپرده‌گذار بوده و امکانات خود را برای حفظ منافع وی بکار می‌بندد. از سوی دیگر بانک براساس عقد مشارکت مدنی با مجری که شخصیت حقوقی دارد وارد معامله شده و منابع سپرده‌ای را تجهیز و به وی تخصیص می‌دهد. در این راستا بانک با بکارگیری واحدی به نام امین امور نظارتی فرآیند مشارکت در سود و زیان را اعمال می‌نماید.

سپرده‌گذار می‌تواند در سه نوع محصول بانکی زیر سپرده گذاری نماید:

۱. مشارکت در سود و زیان طرح خاص
۲. مشارکت در سود و زیان بسته طرح‌ها
۳. مشارکت در سود و زیان شعبه مجری بانکداری مشارکت در سود و زیان

این سپرده‌گذاری بنا به درخواست سپرده‌گذار در یکی از سه نوع محصولات فوق خواهد بود. پس از انجام عملیات سپرده‌گذاری بانک اقدام به تحویل گواهی مشارکت یا پذیره به سپرده‌گذار می‌نماید و سپرده‌گذار می‌تواند گواهی خود را زودتر از زمان اتمام پروژه سرمایه‌گذاری، در بازار ثانویه گواهی مشارکت به بالاترین قیمت پیشنهادی بفروش برساند.

گواهی مشارکت برگه‌های بی‌نامی است که به قیمت اسمی مشخص و برای مدت زمان اجرای طرح سرمایه‌گذاری توسط شعبهٔ بانکداری مشارکت در سود و زیان منتشر می‌شود. دارندگان این برگه‌ها به نسبت قیمت اسمی و مدت زمان مشارکت در سود حاصل از اجرای طرح مربوطه شریک می‌باشند. مشابه گواهی مشارکت، گواهی پذیره برای پروژه‌های تولیدی بکار می‌رود.

برای جلوگیری از هر نوع زیان احتمالی سپرده‌گذار، کلیه دارایی‌های مورد مشارکت و وثائق توسط مجری طرح، بیمه می‌گردد. لذا از این طریق منافع سپرده‌گذار در ارتباط با سرمایه‌گذاری در پروژه مجری مصون از زیان خواهد بود. گواهی مشارکت یا پذیره، قابل خرید و فروش در بازار ثانویه در محیط اینترنت و بانک می‌باشد.[۳]

۲,۳ بانکداری قرض‌الحسنه

یکی دیگر از الگوهای اجرا شده بانکداری اسلامی در کشور، بانکداری قرض‌الحسنه می‌باشد. البته برخی از محققان از این الگو با عنوان بانکداری غیرانتفاعی یاد کرده‌اند (زریباف و سعیدی، ۱۳۹۲: ۳). در این نوع از بانکداری، بانک صرفا سپرده های قرض‌الحسنه را تجهیز نموده و براساس

---

[۲] . درحال حاضر به دلیل برخی مشکلات، عملا اجرای پروژه بانکداری مشارکت در سود و زیان در بانک ملی متوقف گردیده است که البته احتمال دارد در آینده مجدد از سر گرفته شود.

[۳] . برگرفته از تارنمای بانک ملی ایران به آدرس: http://pls.bmi.ir

همین عقد، منابع را به متقاضیان تخصیص می‌دهد. بانک‌های قرض‌الحسنه با ارائه انواع سپرده‌های مبتنی بر عقد قرض‌الحسنه (مانند سپرده-های جاری، پس‌انداز، وجوه اداره شده و ...)، منابع را از افراد حقیقی یا موسسات حقوقی خیرخواه جمع‌آوری می‌نماید. در حال حاضر یک بانک دولتی و یک بانک خصوصی به عنوان بانک‌های قرض‌الحسنه در کشور فعال هستند که اولی بانک قرض‌الحسنه مهر ایران و دیگری بانک قرض‌الحسنه رسالت می‌باشد (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳: ۱۹۱).

الگوهای نظری بانکداری اسلامی

در دهه‌های اخیر محققان بانکداری اسلامی ضمن بررسی نیازهای موجود در جوامع اسلامی از یک سو و ارزیابی ظرفیت‌های موجود در عقود اسلامی، شیوه‌های مختلفی را جهت اجرای بانکداری اسلامی پیشنهاد داده‌اند که هر چند هنوز اجرایی نگردیده‌اند، اما با توجه به نکات کاربردی که در این الگوها وجود دارد، لازم است جهت استخراج الگوی پیشنهادی به آن‌ها اشاره شود. نکته مشترک این الگوها بکارگیری مجموعه‌ای از اصول و قوانین استخراج شده از شریعت است و توجه اصلی آن‌ها به فعالیت‌های اقتصادی حقیقی و دوری جستن از فعالیت‌های کاذب و پولی صرف است. تفاوت این الگوها در ترکیب عقود مورد استفاده و میزان استفاده از هریک آن‌ها می‌باشد. البته در بین این الگوها به برخی الگوهای نظری موجود در ادبیات متعارف بانکداری که تضادی با شرع نداشته و دارای ایده برای رفع مشکلات بانکداری اسلامی می‌باشد هم اشاره شده است. در ادامه به برخی از مهمترین این الگوها پرداخته می‌شود.

۳,۱ الگوی شهید صدر

نظریات شهید صدر در بانکداری اسلامی را می‌توان در کتاب‌ها و مقالات مختلف او، به خصوص کتاب‌های بانک اسلامی (بانک بدون ربا در اسلام)، اقتصاد ما (جلد دوم) و سایر نوشته‌های او یافت. شهید صدر کتاب البنک اللاربوی را اولی دهه ۱۹۶۰ میلادی در پاسخ به وزارت اوقاف کویت که در زمینه بانکداری بدون ربا از علمای اسلام سوال کرده بود، به رشته تحریر درآورد. آخرین نظریات او در مورد بانک، مباحثی است با عنوان بنیادهای عمومی: بانک در جامعه اسلامی، که ظاهرا با شهادتش ناتمام مانده است. آنچه شهید صدر در بانک اسلامی مطرح می‌کند، با توجه به اینکه در آن زمان هیچ‌یک از کشورها از حکومت اسلامی برخوردار نبودند، نوعی بانک اسلامی فعال است که در کنار نظام بانکداری ربوی بتواند به فعالیت خود ادامه دهد و در عین حال، نیازهای اقتصادی مشتریان خود را برطرف کند (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۷).

شهید سیدمحمدباقر صدر در کتاب بانک بدون ربا در اسلام، الگویی از بانکداری بدون ربا پیشنهاد کرده است. این الگو که یکی از نخستین الگوهای ارائه شده در زمینه بانکداری اسلامی در جهان می‌باشد، گرچه به صورت کامل به مرحله اجرا در نیامد، اما در دیگر الگوهای بانکداری اسلامی (چه در ایران و چه در سایر کشورها) تاثیر فراوان گذاشته است. در این الگو بانک واسطه‌گر مالی میان سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران در قرارداد مضاربه است. در واقع، بانک وجوه مازاد سپرده‌گذاران را جذب کرده؛ سپس آن‌ها را براساس مضاربه در اختیار سرمایه‌گذاران می‌گذارد (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳: ۱۷۸). شهید صدر گرچه نقش ها و فعالیت های گوناگونی را برای بانک قائل است، همانند غالب صاحب نظران پول و بانکداری، نقش اصلی بانک را واسطه‌گری بین سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران می‌داند و بر این اساس بخش اصلی طرح و قسمت عمدهٔ کتاب البنک اللاربوی به تبیین عملیات تجهیز منابع و تخصیص منابع اختصاص دارد.

در شکل زیر نمایی کلی از این الگو در زیر ارائه می‌شود (موسویان، ۱۳۸۵: ۷۶).



۳,۲ الگوی شهید بهشتی

شهید بهشتی در کنار موضع‌گیری بسیار سرسختانه در مورد ربا در بانکداری متداول، به ضرورت وجود نهاد بانک اذعان دارند. ایشان این ضرورت‌ها را اینگونه برمی‌شمارد: ۱- نگهداری پول ۲- حمل و نقل پول و به‌خصوص اسکناس و ۳- لزوم اعطالی اعتبار (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۵). براساس نظر ایشان تحریم ربا به هیچ‌یک از منافع اجتماعی و اقتصادی ملی بانک‌ها لطمه نمی‌زند و بانکداری بصورت صحیح، بدون بهره و فقط با کارمزد در راه رفاه سعادت ملت‌ها، نه تنها حرام نیست، بلکه واجب کفایی و از وظایف دولت‌هاست. در الگوی بانکداری اسلامی شهید بهشتی دو نکته بسیار مهم وجود دارد: نکته اول، تاکید فراوان ایشان بر وجوه قرض‌الحسنه در تجهیز و تخصیص منابع مالی است که طبق نظر ایشان حتی در جایی که پس‌اندازهای خصوصی برای تامین مالی وام‌های قرض‌الحسنه ناکافی باشند، وظیفه دولت است که با تاسیس بانک‌های دولتی به تامین وجوه قرض‌الحسنه مورد نیاز از بودجه عمومی بپردازد. نکته دوم مورد اشاره ایشان گستردگی نقش و کارکردهای بانک‌های دولتی در صنعت بانکداری است (محقق‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۵۴).

شهید بهشتی خرید دین را برای تجهیز منابع بانکی درست نمی‌دانند و اینگونه استدلال می‌کنند که اگر شخصی چیزی را که در ذمه اوست، به دیگری بفروشد، این خرید و فروش نیست؛ زیرا اساسا موضوع خرید و فروش در رابطه با این‌ها نیست. البته در نظرات ایشان تنزیل دین به خود فرد بدهکار شامل حرمت ربا نمی‌شود. ایشان با تکیه بر روایات، ابتدا بین تنزیل و ربا تفاوت قائل می‌شود و تنزیل را از نظر شرعی قبول می‌کند، ولی بر جداسازی تنزیل واقعی و تنزیل صوری تاکید می‌کند (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۵).

الگوی مشارکت در سود و هزینه به اضافه سود

این مدل در سمت بدهی ترازنامه به صورت مشارکت در سود (مضاربه) بوده و در سمت دارائی ترازنامه از تکنیک تامین مالی هزینه به اضافه سود (مرابحه) بهره می‌گیرد. هر چند سایر روش‌های مجاز اسلامی برای تامین مالی مانند مضاربه، مشارکت، اجاره و غیره نیز می‌توانند در طرف دارائی مورد استفاده قرار گیرند. این دلیل نزدیک بودن این مدل به آنچه در عمل توسط بانک‌های معاصر اسلامی بکارگرفته می‌شود است. همچنین بر اساس این مدل عملیات انواع مختلف حساب‌های سپرده‌گذاری مانند حساب جاری، حساب پس‌انداز، حساب گواهی و حساب سپرده مدت‌دار ممکن و مجاز می‌شود. وجوه حاصل از سپرده‌گذاری از طریق ایجاد یک ائتلاف سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری می‌شوند. سپرده‌های جاری در این سرمایه‌گذاری شرکت داده نمی‌شوند ولی بقیه حساب‌های مذکور، بر اساس نسبت‌های مشخصی در سرمایه‌گذاری مشارکت داده می‌شوند. حساب جاری برخلاف ودیعه (سایر انواع سپرده‌ها) به صورت قرض به بانک در نظر گرفته می‌شوند. بانک از یک سو متعهد است که این حساب‌ها را در هر لحظه به صورت کامل بازپرداخت نماید و از سوی دیگر می‌تواند آن‌ها را به هر نحو و به صلاحدید خود بکارگیرد. از این رو این مدل تحمیل ذخیره قانونی صددرصدی بر این حساب‌ها را نمی‌پذیرد.

وجوه این سرمایه‌گذاری مشترک در عملیات تامین مالی بانک‌ها که ممکن است بر اساس مضاربه، مرابحه، مشارکت، اجاره یا ترکیبی از همه آن‌ها باشند سرمایه گذاری می‌شوند. در عمل برخی از بانک های اسلامی مقداری از حساب‌های جاری خود را به صورت آورده خود بانک در تشکیل ائتلاف سرمایه گذاری بکار می گیرند. عائدی این وجوه متعلق به بانک است(احمد؛۱۹۹۷: ۳۱).

پایه نظری این مدل که نزدیک‌ترین مدلی است که بانک‌ها در عمل از آن پیروی می‌کنند، توسط سامی حسن حمود ارائه شده است (حمود: ۱۹۸۵).

۳,۴ الگوی فروش خدمات بانکی

این الگو توسط دکتر مظاهری رییس سابق بانک مرکزی ایران ارائه شده است. در این الگو بانک از یک سو سپرده دریافت می کند و از سوی دیگر خدمات بانکی می‌فروشد. در حقیقت اعطای تسهیلات (وام بدم بهره)، به معنای فروش خدمات بانکی اســت. بانک در ازای فرش خدمات بانکی مبلغی را از وام گیرندگان، دریافت می‌کند. این قیمت در بازار رقابتی تعیین می شود بر این اساس، در این مدل، بانک صرفاً وظیفه انتقال وجوه را برعهده دارد. فروض این مدل عبارتند از:

- نرخ تورم صفر فرض می‌شود.
- بانک، وام بدون بهره اعطا می‌کند (بانک فروشنده خدمات بانکی است).
- بانک هیچ گونه دخالتی در نحوه تخصیص وجوه اعطایی ندارد بلکه در مرحله ارزیابی طرح‌های پیشنهادی بر اساس اولویت‌های خود اقدام به انتخاب طرح‌های پیشنهادی می‌کند.

در این الگو سه مکانیسم را برای تجهیز منابع تعریف شده است:

الف- خرید نهاده‌های تولید خدمات بانکی: بانک برای تولید خدمات بانکی به نهاده‌های تولید نیازمند است. یکی از نهاده های اساسی در تولید خدمات بانکی سپرده‌های سپرده‌گذاران است. بانک به منظور حداقل کردن هزینه‌های خود و بر اساس قواعد بنگاه‌داری، نهاده‌های تولید را در یک بازار رقابتی تقاضا می‌کند. بنابراین سپرده‌گذاری از سوی بانک تقاضا می‌شود و بانک با ارائه قیمت خود سپرده ها را بـه گونه ای خریداری می‌کند که هزینه‌های تولید به حداقل برسد.

ب- اجاره پول از مشتری برای تولید خدمات بانکی: در این گزینه بانک برای ارائه خدمات بانکی خود، پول را از مشتری اجاره می‌کند و در ازاء آن اجاره‌بها می‌پردازد.

ج- وکالت سپرده‌گذار برای ارائه قرض بدون بهره: این گزینه فرض می‌کند که در بخش تخصیص منابع، منظور از خدمات بانکی صرفاً اعطای وام بدون بهره است لذا بانک وکیل سپرده‌گذاران در اعطای وام بدون بهره محسوب می‌شود.

در مورد مکانیسم الف زمانی خرید سپرده (بیع صرف) می‌تواند از لحاظ فقهی امکان‌پذیر باشد که بانک قیمت سپرده‌ها را در همان زمان انعقاد قرارداد پرداخت نماید. با توجه به این که تحقق چنین شرطی در پذیرش سپرده‌ها امکان‌پذیر نیست، لذا شبهه ربوی بودن این قرارداد به‌وجود می‌آید. بر این اساس خرید سپرده ها در قالب بیع صرف قابل بررسی نیست . لذا این گزینه از لحاظ فقهی اعتبار ندارد.

اما درمورد مکانیسم ب از آنجا که یکی از شروط صحت عقد اجاره این است که مورد اجاره باید عین باشد و با توجه به این که پول عینیت ندارد، نمی‌تواند در قالب عقد اجاره از سوی سپرده‌گذار در اختیار بانک قرار گیرد (مظاهری، ۱۳۸۶).

با توجه به توضیحات فوق به این نتیجه می‌رسیم که مکانیسم‌های الف و ب توجیح شرعی ندارند و نمی‌توانند در تجهیز منابع بانکداری اسلامی مورد استفاده قرا بگیرند و فقط مورد سوم، آن هم تنها برای تسهیلات قرض می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد.

الگوی بانکداری محدود[۴]

اهمیت بانک ها را می‌توان از منظر تاثیر بسیار آنها بر عرضه پول نیز بررسی کرد. در نظام پول اعتباری، خلق پول بانک‌ها تاثیری چند برابر بر عرضه‌ی پول دارد. بدون شک در موقعیتی که بانک‌ها مجاز به وام‌دهی تمام پول سپرده‌گذاری شده در بانک خود باشند و نیاز به نگهداری نقد در صـندوق نـاچیز باشـد، قدرت خلق پول بانک ها به سمت بینها یت میل می‌کند از سو ی دیگر تصور کنید که تمام بنگاه‌ها و خانوار، سپرده‌ی خود را در یک بانک نگهداری کنند، بدون در نظر گرفتن تورم و ر یسک، ا ین بانک می‌تواند هر میزان سپرده که آرزو دارد ایجاد کند؛ این امر به بانک‌ها این توانایی را می‌دهد که در موقعیت هزینه صفر، پول خلق کنند و هیچ گونه ریسک نقدینگی تحمل نکنند.(داوودی و محقق، ۱۳۸۷: ۹۴)

ورشکستگی گسترده بانک‌ها در مقاطع مختلف و نیاز به کنترل شدیدتر بر عرضه پول از سوی دولت‌ها و بانک‌های مرکزی به منظور کاهش قدرت خلق پول بانک و نقدینگی، منجر به ارائه مدلهای مختلفی شده است. در این میان ایده بانکداری محدود، الگویی است که در آن نرخ ذخیره قانونی صد در صد خواهد بود و خلق پول کاملا منتفی خواهد شد. حذف وام‌دهی بسیاری از مشکلات نظام بانکی را برطرف خواهد کرد. شاید به نوعی بتوان گفت که در این ایده برای حل مسئله، صورت مسئله بطور کامل پاک شده است (محسنی، ۱۳۹۳: ۹۲).

بانک محدود، مختص سپرده‌پذیری و سیستم پرداخت‌هاست و از وام‌دهی منع شـده است و نوع بسیار امن پول را به مردم عرضه می‌کند؛ چراکه در این بانک، سپرده‌های بانکی مترادف پول خواهد بود. در این حالت، واسطه‌های مالی غیربانکی می‌توانند تحت مقررات بازار اوراق بهادار شرکت‌ها عمل کنند؛ در این صورت، نظم بازار، کارایی بیشتری در وام دادن به پروژه‌های سرمایه‌گذاری به وجود خواهد آورد (بوسنه، ۲۰۰۲: ۸).

پیشینه بانکداری محدود همزمان با ایده نرخ ذخیره قانونی صددرصد که برخی اقتصاددانان ارایه کرده بودند، است. اولین و در عین حال، جامع‌ترین مطالعه در مورد ساختار و پیامدهای نرخ ذخیره‌ی صددرصد، مقاله‌ی «پول ۱۰۰٪» اروینگ فیشر در سال ۱۹۳۵ بود که سعی داشت نشان دهد که چگونه چنین رژیمی موجب می‌شود سپرده‌های بانک به طور کامل نقدشونده باشند و از بی‌ثباتی ادوار تجاری جلوگیری نماید. موریس آلیس نیز که به شدت از نرخ ذخیره جزئی انتقاد می‌کرد، در سال ۱۹۴۸ به ایده نرخ ذخیره‌ی صددرصد توجه کرد. میلتون فریدمن در سال ۱۹۵۹، به طور عمیق‌تر این ایده را راهی برای جلوگیری از بی‌ثباتی عرضه‌ی پول مطرح کرد. وی بانک‌های تجاری را به دو موسسه‌ی جدا تقسیم می‌کرد؛ از یک سو، یک موسسه سپرده با نرخ ذخیره صددرصد و از سوی دیگر، یک تراست اعتباری که سرمایه‌ی لازم را با فروش سهام یا اوراق قرضه به دست می‌آورد و از آن برای وامدهی و سرمایه‌گذاری استفاده می‌کند و حق دخالت در خلق پول را ندارد و نیازی به هیچ‌گونه کنترل و نظارت ندارد (داوودی و محقق، ۱۳۸۷: ۹۶). برخی اقتصاددانان با وجود پذیرش ایده تفکیک سپرده‌پذیری از وام‌دهی پیشنهاد می‌کنند که بانک‌ها مجاز باشند هم سپرده‌های تضمین‌شده با امنیت بالا و هم سپرده‌های تضمین‌نشده را که برای تأمین مالی وام‌دهی به بخش خصوصی بکار می‌رود، بپذیرند (بوسنه، ۲۰۰۲: ۱۰).

ریشه الگوی بانکداری محدود را برنامه شیکاگو در سال ۱۹۳۳ به عنوان اولین برنامه حمایتی در ایالات متحده می‌دانند. این برنامه شامل ایده ذخیره قانونی صد در صد بود که منجر به توقف ساز و کار خلق پول توسط بانک‌های خصوصی می‌شد و به منظور کاهش نوسانات اقتصادی ناشی از خلق پول بانک‌ها به اجرا درآمد. کنار گذاشتن ذخیره قانونی و پذیرش نرخ ذخیره صد در صد بر سپرده‌های دیداری و جایگزینی بانک‌های موجود با دو نوع موسسه متمایز از یکدیگر، شامل بانک‌های سپرده‌پذیر با ذخیره صد در صد و شرکت‌های سرمایه‌گذاری که وام‌دهی وجوه حاصله از فروش اوراق را انجام می‌دهند، مدنظر این برنامه بود. در این حالت ذخایر پولی و پول پرقدرت یکی می‌شوند و بی‌ثباتی در خلق پول توسط بانک‌ها از بین می‌رود (محسنی، ۱۳۹۳: ۹۳).

بانکداری محدود، ایده‌ای برای اصلاح سیستم بانکداری سنتی و بهبود عملیات بانکی در هر دو طیف خدمات و وام دهی است. در صورت اجرای بانکداری محدود امکان حل برخی مشکلات مزمن و ریشه‌دار بانکی همچون مشکل اخلاقی و یا انتخاب بد که بانکداری سنتی را بسیار آزار می‌دهد، وجود دارد. هزینه های گزاف جانبی که بانکداری سنتی به دلیل ارائه همزمان سپرده‌پذیری و وام‌دهی، متحمل آن می‌شود، با اجرای تفکیک قابلیت آن وجود دارد که برطرف شود. انکارپذیر نیست که بانکداری محدود به تخصصی‌تر شدن فعالیت‌های بانکی خواهد انجامید و رشد و توسعه‌ی بازارهای پولی را موجب خواهد شد. در این سیستم، مو سسات مالی تخصصی، به شدت و به دلیل تقاضا برا ی اعتبارات که دیگر بانک‌ها پاسخ نمی‌دهند، گسترش خواهند یافت و بازار بورس و سهام که پا یبندی بیشتری به اصول بازار دارند، تقویت خواهند شد؛ هرچند پیش از اجرای این سیستم، باید زیرساخت‌های لازم پیش‌بینی و تدارک و پیش از همه، قوانین لازم برای هدایت و نظارت دولت تصویب شوند. می‌توان ایده‌ی بانک محدود را با تلفیق با اصول مورد نظر اسلام در مباحث مالی همچون گسترش قرض‌الحسنه بومی‌سازی کرد. بر این اساس، وجوه حاصل از سپرده جاری به تامین مالی قرض‌الحسنه به نیازمندان اختصاص خواهد یافت. (داوودی و محقق، ۱۳۸۷).

---

4. Narrow Banking

در راستای الگوی بانکداری محدود برخی از اقتصاددانان مسلمان اقدام به نظریه‌پردازی و ارائه الگو نموده‌اند. الگوی دوباجه‌ای در همین راستا ارائه شده است که در ادامه به توضیح آن می‌پردازیم.

الگوی دو باجه‌ای

در این مدل طرف بدهکاری فعالیت‌های بانک به دو باجه تقسیم می‌شود: یک باجه برای سپرده دیداری (حساب جاری) و دیگری برای سپرده سرمایه‌گذاری. از آنجا که بانک‌ها ملزم به بازپرداخت فوری پول سپرده‌گذاری شده در حساب جاری هستند، این حساب‌ها مشروط به ذخیره قانونی ۱۰۰ درصدی هستند. این در راستای این استنباط اسلامی است که وجوه سپرده‌های دیداری امانت هستند که توسط بانک به نیابت از سپرده‌گذاران نگهداری می‌شوند. بنابراین بانک نه حق استفاده از این وجوه برای کسب سود را دارد و نه می‌تواند این وجوه را از طریق سیستم ذخیره جبران کسری[5] برای خلق پول به کار گیرد. از طرف دیگر، وجوهی که در حساب سپرده سرمایه‌گذاری نگهداری می‌شوند ممکن است شامل هیچ ذخیره مورد نیازی نباشد. اقتصاددانانی که این مدل را ارائه داده‌اند معتقدند که حساب‌های سرمایه‌گذاری مشابه سپرده‌های مدت‌دار بانک‌های متعارف که برای خلق اعتبار به کار می‌روند نیستند. در عوض، آنها همانند سرمایه‌گذاری سهام[6] (مشارکت در سرمایه‌گذاری) هستند. چون سهام معمولا مشروط به ذخیره قانونی نیستند، توجیهی وجود ندارد که شرایط ذخیره قانونی براین حساب‌ها که عملکردی مشابه سهام دارند، تحمیل شود. شایان ذکر است کسانی که مدافع وضع ذخیره قانونی در خصوص حساب‌های سرمایه‌گذاری هستند به صورت ضمنی به تشابه بین این حساب‌ها با سپرده‌های مدت دار بانک‌های متعارف اذعان دارند. هر چند که آن‌ها به یک تفاوت مهم بین این دو حساب توجه نکرده‌اند. سپرده‌های مدت‌دار نقد نیستند، چراکه سپرده‌گذاران می‌توانند در ازای آنها وام دریافت نمایند. از این‌رو سپرده‌های مدت دار برای خلق اعتبار به کار می روند. به همین دلیل است که سپرده مدت‌دار در تعریف پول وارد شده‌است و تابع شرایط ذخیره قانونی است. این ادعا در خصوص سپرده‌های سرمایه‌گذاری نمی‌تواند مطرح شود. از این‌رو توجیه منطقی برای وضع ذخیره قانونی برای سپرده‌های سرمایه‌گذاری وجود ندارد(سیفلو، ۱۳۸۹: ۹۶).

بنابراین مدل بانکداری اسلامی دو باجه‌ای بین حساب سرمایه‌گذاری و حساب جاری بر اساس ذخیره قانونی تفاوت قائل می‌شود. این تا اندازه‌ای تفکیکی بین دو عملکرد مدیریت دارایی و مدیریت سپرده بانکداری است. سیستم بانکداری اسلامی که به این شکل فرموله شده باشد بسیار باثبات‌تر از سیستم بانکداری متعارف عمل خواهد کرد که هر از گاهی مستعد بحران نقدینگی و خروج سریع سپرده‌ها از بانک می‌باشد. در بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری متعارف دارائی و بدهی‌های بانک دارای همگرایی بسیار کاملتری است و شوک‌های طرف دارائی با همان شدت به طرف بدهی منتقل می‌شود. بنابراین سیستم بانکداری در سیستم اسلامی بسیار باثبات تر خواهد بود(همان).

این مدل توسط محسن خان و عباس میرآخور ارائه شده است (خان : ۱۹۸۶)، (خان و میرآخور:۱۹۸۷)، (میرآخور: ۱۹۹۵) و (خان :۱۹۹۵).

۳,۷ الگوی مشارکت در سود خالص

از نظر تاریخی مدل مشارکت در سود خالص، اولین نظریه‌ای است که عرضه شده است به طوری که هسته اصلی آن در سال‌های ۱۹۵۰ نیز وجود داشت. چون این مدل در هر دو سوی ترازنامه (بدهکار و بستانکار(تجهیز و تخصیص)) نقش قابل توجهی به مشارکت در سود (مضاربه) قائل است به این دلیل مدل مشارکت در سود خالص نامیده شده است. این مدل همچنین به مدل مضاربه یا مدل مضاربه دوسویه[7] نیز معروف است(احمد، ۱۹۹۷: ۲۸).

اولین قرارداد مضاربه بین بانک و سپرده‌گذاری منعقد می‌شود که با سپرده‌گذاری در حساب پس‌انداز سرمایه‌گذاری و تسهیم سود آن موافقت می‌کند. در این حالت سپرده‌گذار به عنوان صاحب سرمایه (رب المال) و بانک به عنوان شریک عامل یا مدیر سرمایه (مضارب یا عامل) عمل می کند. مضاربه دوم بین بانک و کارآفرینی است که به منظور تامین مالی فعالیت اقتصادی خود به بانک مراجعه می کند و توافق می‌کند که سود حاصل از فعالیت اقتصادی او بین او و بانک با یک نسبت توافقی تقسیم شود، اما ضرر و زیان ناشی از این فعالیت اقتصادی به عهده بانک خواهد بود. در این قرارداد مضاربه بانک تامین کننده سرمایه و کارافرین مدیر سرمایه است. در این مدل بانکداری اسلامی بانک ها می توانند حساب‌های جاری سپرده گذاری را قبول نمایند که سودی به آنها تعلق نمی گیرد ولی هزینه خدمات می تواند به آنها تعلق گیرد(همان).

این مدل از بانکداری اسلامی توسط عمر چپرا (چپرا: ۱۹۸۲)، محمد نجات الله صدیقی(صدیقی: ۱۹۸۳) و محمد عذیر(عذیر: ۱۹۷۸) مطرح شده است.

۳,۸ الگوی استفاده صرف از عقود مبادله‌ای

برخی از محققان بانکداری اسلامی تلاش نموده‌اند تا با مطالعه آسیب‌هایی که اجرای عقود مشارکتی به لحاظ ماهیتی (نظریه) و کارکردی (تجربه سه دهه اخیر) در نظام بانکی کشور ایران ایجاد نموده‌اند، پیشنهاد استفاده صرف از عقود مبادله‌ای را مطرح نمایند (طالبی و کیایی،

5. fractional reserve system
6. equity investment
7. Two tier Mudaraba model

۱۳۹۱) این دسته از محققان معتقدند که بانک به عنوان یک ظرف توان گنجایش عقود مشارکتی به عنوان مظروف را ندارد. بانک در بعد خرد و کلان اقتصادی دارای وظایف و ویژگی‌هایی است که اجرای عقود مشارکتی با آن‌ها سازگاری ندارد و الزام به این امر هم بانک‌ها را در اجرای وظایف ذاتی خود با مشکل مواجه می‌سازد و هم موجبات اجرای ناقص این عقود را فراهم می‌کند. در واقع براساس نظر ایشان با تفکیک بین قراردادها از یک سو و انواع موسسه‌های پولی و مالی از سوی دیگر، باید قراردادهای خیرخواهانه (مانند قرض‌الحسنه) را به صندوق‌های قرض‌الحسنه و قراردادهای مشارکتی را به شرکت‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های سهامی واگذاشت و بانک را به تناسب ماهیت بازار پول (که بازاری کوتاه‌مدت با ریسک پایین است)، در قراردادهای مبادله‌ای متمرکز نمود. در واقع این تحقیقات مدعی هستند که نزدیک‌ترین قراردادهای مشروع به فعالیت‌های بانک‌های متداول، عقود مبادله‌ای هستند. براین اساس در بخش تجهیز منابع ما چهار نوع سپرده تحت عناوین سپرده جاری (قرض بدون بهره)، سپرده پس‌انداز (وکالت عام)، سپرده سرمایه‌گذاری خاص (وکالت خاص) و سپرده سرمایه‌گذاری عام (وکالت عام) و در بخش تخصیص منابع هم عقود مبادله‌ای مانند فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، خرید دین، جعاله و سلف پیشنهاد شده است (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳: ۱۸۰).

با توجه به اینکه در این الگو از بانکداری صرفا از عقود مبادله‌ای در بخش تخصیص منابع و درآمدزایی بانک استفاده می‌شود، لذا دامنه تغییرات سود قطعی بسیار محدودتر خواهد شد و تفاوت سود علی‌الحساب با سود قطعی نمی‌تواند قابل ملاحظه باشد چون که از قبل براساس سود معین در عقود مبادله‌ای و کسر حق‌الوکاله از آن بانک براحتی می‌تواند سود انتظاری خود را با دقت بالا پیش بینی نماید.

۳,۹ الگوی استفاده صرف از عقود مشارکتی

با توجه به تشابه زیادی که بین معاملات ربوی و معاملات مبتنی بر بیع وجود دارد، بسیاری از متفکران بانکداری اسلامی در مقابله شدید با روش معاملات مبتنی بر بیع، روش مشارکت سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذارن در سود و زیان را پیشنهاد کرده‌اند. ضیاءالدین احمد در مقاله‌ای اظهار می‌کند: عمده‌ترین امتیاز بانکداری اسلامی، در مقایسه با بانکداری مبتنی بر ربا، با توجه به اهداف اجتماعی- اقتصادی اسلامی، اساس قراردادن مشارکت در سود و زیان به‌جای نرخ ثابت هزینه سرمایه است (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

در این دیدگاه بانک اسلامی واسطه‌گر وجوه نمی‌باشد بلکه عرضه‌کننده سرمایه است (توتونچیان، ۱۳۷۹: ۷۲۵). براین اساس، بانکداری اسلامی با بانکداری مشارکت در سود و زیان خلاصه می‌شود و عقود مبادله‌ای نقش چندانی در آن نخواهند داشت. به لحاظ تاریخی، این دیدگاه در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی، در بین اقتصاددانان مسلمان دیدگاه غالب بوده و تحقیقات گوناگونی در رابطه با تبیین ابعاد مختلف آن تدوین گردیده است. البته هنوز هم برخی از محققان در این رابطه تحقیق نموده و بر اجرای بانکداری مشارکت در سود و زیان تاکید می‌ورزند (اقبال و میرآخور، ۲۰۱۱؛ اقبال و دیگران، ۲۰۱۲ و میرآخور و اقبال، ۲۰۰۷). هر چند شیوه‌های تجهیز و تخصیص منابع در این نوع از بانکداری می‌تواند حالت‌های گوناگونی داشته باشد، اما نکته مشترک در همه آن‌ها این است که سود تعلق گرفته به سپرده‌گذاران کاملا انتظاری بود و از قبل مشخص نمی‌باشد و معمولا سپرده‌ها بصورت گواهی طراحی شده که قابلیت انتقال‌پذیری در بازار ثانویه را داشته باشد.

سه رکن اصلی در این الگو عبارتند از بانک، سپرده‌گذاران، و بازار ثانویه یا همان اوراق بهادار انتقال پذیر. این سه رکن اصلی در تعامل با یکدیگر الگوی پیشنهادی مبتنی بر مشارکت را تشکیل می‌دهد که می‌تواند برخی از ایرادات موجود در سیستم بانکی را حل نماید. بانک اسلامی در ازای سپرده‌های سپرده‌گذارن، اوراق مشارکت (گواهی سپرده) برای آن‌ها صادر می‌کند. این اوراق خاصیت انتقال پذیری دارند یعنی می‌توانند در بازار ثانویه معامله شوند. بعد از انتشار اوراق مشارکت توسط بانک، دارندگان اوراق مشارکت(سپرده‌گذاران حساب‌های مشارکتی) می‌توانند آن‌ها را در بازار ثانویه خرید و فروش نمایند و باتوجه به عملکرد بانک صادرکننده اوراق و سود مورد انتظار پروژه‌های بانک مذکور سود اوراق خود را در هر لحظه دریافت نموده و اوراق را منتقل نمایند. بانک نیز منابع حاصل از انتشار اوراق مشارکت را در پروژهای مختلف سرمایه‌گذاری می‌نماید. و در پایان سررسید سود اوراق توسط بانک به دارندگان آن‌ها تحویل خواهد شد (سیفلو، ۱۳۸۹: ۱۳۵).

۳,۱۰ الگوی تفکیک

یکی از الگوهایی که به کرات توسط برخی از محققان بانکداری اسلامی مطرح شده است « الگوی تفکیک بانک‌ها» براساس وظایف مختلفی که دارند، می‌باشد. تفکیک در زمینه ادبیات پولی و بانکی، بطور عام به معنای جداسازی مجموعه وظایف بانک از یکدیگر است و بطور خاص به مفهوم جداسازی خدمات بانکی، اعم از ارائه حساب‌های جاری و خدمات مربوط به سیستم پرداخت‌ها از سرمایه‌گذاری و سپرده‌های سرمایه‌گذاری و مدت‌دار است (محقق‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۹۸).

موسویان (۱۳۸۲) با اشاره به ماهیت‌های متفاوت عقود در بانکداری اسلامی، معتقد است که این عقود در یک قالب جای نمی‌گیرند. جمع کردن این معاملات متنوع با احکام و ضوابط گوناگون در قالب یک سازمان به نام بانک، موجب پیچیده و مبهم شدن عملیات، صوری شدن

قراردادها، بالارفتن هزینه‌های نظارت و کنترل و در نهایت غیرکارا شدن نظام بانکی می‌شود. برای حل ریشه‌ای این مشکل، با توجه به احکام و مسئولیت‌های نظام بانکی و با توجه به اهداف، انگیزه‌ها و روحیات مشترک بانک (سپرده‌گذاری و متقاضیان تسهیلات) و با توجه به احکام فقهی معاملات و طبقه‌بندی خاص آن‌ها، وی چهار نوع بانک (۱- بانک قرض‌الحسنه ۲- بانک تجاری (مبادله‌ای) ۳- بانک تحصصی (مشارکتی) و ۴- بانک جامع) پیشنهاد کرده است.

میرجلیلی (۱۳۸۳) در الگوی پیشنهادی خود، برای حفظ ماهیت واسطه‌گری مالی بانک و با در نظر گرفتن شخصیت دوگانه حقوقی و وجود دو بخش پولی و سرمایه‌ای در عملیات بانکی متداول، پیشنهاد می‌کند بانک‌ها تنها وظیفه واسطه‌گری مالی را انجام دهند و وظیفه سرمایه‌گذاری و عاملیت را به مؤسسات متناسب واگذار نمایند. بدین ترتیب سه تغییر در نظام بانکی فعلی کشور صورت می‌گیرد: اول، محدود شدن وظایف بانک‌ها به افتتاح حساب جاری و پس انداز قرض‌الحسنه و انجام خدمات بانکی. دوم، عدم پذیرش سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار و واگذاری تدریجی آن به موسسات مربوطه سوم، تبدیل بانک‌های تخصصی به بانک سرمایه‌گذاری. در الگوی میرجلیلی تجهیز منابع به چهار صورت انجام می‌شود:

۱. **بخش پولی:** توسط سپرده‌های جاری و پس‌انداز که براساس عقد قرض صورت می‌پذیرد.

۲. بخش سرمایه‌ای (در مقیاس کوچک)

توسط مؤسسات تأمین مالی و از طریق روش‌هایی مانند: اجاره، اجاره به شرط تملیک، سلف، فروش اقساطی و سایر عقود معاملات انجام می‌شود. مؤسسات تأمین مالی بر حسب انواع عقود معاملات به وجود می‌آید. مهمترین مؤسسات تخصصی تأمین مالی عبارتند از: الف ـ مؤسسات تأمین مالی اجاره ب ـ موسسات تأمین مالی اجاره به شرط تملیک (تجهیزات و ساختمان) ج ـ مؤسسات مرابحه (و فروش اقساطی) د ـ موسسات تأمین مالی سلف. ه ـ مؤسسات خرید بدهی.

۳. بخش سرمایه‌ای (در مقیاس متوسط)

تجهیز منابع در بخش سرمایه‌ای توسط شرکت سرمایه‌گذاری با انتشار اوراق بهادار صورت می‌گیرد و شرکت مورد نظر وجوه جمع‌آوری شده را صرف سرمایه‌گذاری فیزیکی می‌نماید. اوراق بهادار منتشر شده توسط شرکت سرمایه‌گذاری، از نوع اوراق بهادار قابل معامله در بازار است. شرکت‌های سرمایه‌گذاری، از راه فروش اوراق بهادار خود در بازار اولیه وجوه مورد نیاز خود را به دست می‌آورند. در بازار ثانویه، اوراق بهادار منتشر شده در گذشته، میان سرمایه‌گذاران معامله می‌شود. بازار ثانویه، سرمایه‌گذاران را مطمئن می‌سازد که می‌توانند اوراق بهادار خود را به آسانی به فروش برسانند و به بیان دیگر آن را نقد کنند. بانک سرمایه‌گذاری، عرضه کننده اولیه اوراق بهادار شرکت‌های سرمایه‌گذاری به بازار است. مهمترین وظیفه این بانک‌ها توزیع اوراق بهادار و پذیره‌نویسی آن است. بانک سرمایه‌گذاری، اوراق بهادار شرکت‌های سرمایه‌گذاری را به فروش می‌رساند و منابع مالی برای شرکت‌ها فراهم می‌کند. بنابر این، بانک سرمایه‌گذاری به عنوان عرضه‌کننده اولیه اوراق بهادار به بازار است.

بخش سرمایه‌ای (در مقیاس بزرگ)

توسط بودجه عمرانی دولت و اتحادیه شرکت‌های سرمایه‌گذاری صورت می‌پذیرد.

دو مؤسسه یعنی بانک‌ها برای واسطه‌گری و شرکت‌های سرمایه‌گذاری برای عاملیت در بخش واقعی اقتصاد، به صورت مکمل یکدیگر عمل می‌کنند. بانک‌ها می‌توانند منابع مالی مازاد خود را از راه اوراق بهادار در اختیار شرکت‌های سرمایه‌گذاری قرار دهند و در سود حاصل از سرمایه‌گذاری شریک شوند. به بیان دیگر از عقد مشارکت استفاده نمایند. سود حاصله به بانک‌ها تعلق می‌گیرد که صرف اعطای جایزه به سپرده‌های قرض‌الحسنه و اعطای قرض‌الحسنه و ارائه خدمات بانکی ارزان،گسترده و جدید می‌شود. صاحبان سپرده‌ها برای خدمات مالی و قرض به بانک مراجعه می‌کنند و قصد انتفاع ندارند. آنان که قصد انتفاع دارند، به مؤسسات مالی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری مراجعه می‌کنند. از سوی دیگر شرکت‌های سرمایه‌گذاری منابع مالی خود را در شبکه بانکی نگهداری می‌کنند.

داوودی و صمصامی (۱۳۸۹) و داوودی و بیدار (۱۳۹۰) ابعاد دقیقتری از شیوه تفکیک بانک‌ها را برجسته می‌نمایند و جزئیات کامل‌تری از آن ارائه می‌کنند. در این تحقیقات بر تفکیک بانک‌ها به قرض‌الحسنه، سرمایه‌گذاری و لیزینگ تاکید گردیده است و چون به بخش تجهیز منابع خیلی پرداخته نشده است و محوریت مباحث نحوه تخصیص منابع می‌باشد، از ارائه توضیحات تفصیلی در مورد این الگو خودداری می‌نماییم.

محققنیا (۱۳۹۱ و۱۳۹۳) به بررسی ساختار فعلی بانکداری اسلامی در ایران و سایر کشورها پرداخته و الگوی تفکیک متناسب با نیازهای نظام بانکی کشور را به تفصیل و با پرداختن به جزئیات ارائه نموده است. مدل تفکیک ارائه شده توسط ایشان شامل سه بخش اصلی: ۱. مفروضات مدل ۲. ابعاد تفکیک و ۳. اصل تخصص‌گرایی و انواع آن می‌باشد. در بخش مفروضات مدل به اصل تفکیک اشاره شده است و منظور ایشان از تفکیک، جداسازی دو وظیفه اصلی بانک‌ها شامل سپرده‌پذیری و وام‌دهی از یکدیگر است. در واقع به عبارت دیگر و بطور خلاصه در

اینجا تفکیک خدمات از سرمایه‌گذاری مدنظر است. در بخش ابعاد تفکیک دو نوع تفکیک حسابداری و حقوقی متصور است و در بخش تخصص‌گرایی دو نوع تخصص‌گرایی یکی براساس نوع قرارداد و دیگری براساس نوع فعالیت اقتصادی وجود دارد. که در ادامه به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

تفکیک حسابداری

این نوع تفکیک رقیق‌ترین سطح اجرای تفکیک است. در این سطح از تفکیک، ارتباط میان حساب جاری و تسهیلات سرمایه‌گذاری قطع می‌شود و در واقع خط میان دو بخش تراز بانک‌ها پررنگ‌تر می‌شود و اجازه مبادله بین بخش بدهی با بخش دارایی‌های ترازهای بانکی داده نمی‌شود. در این صورت بانک‌ها مجاز نیستند مانده سپرده‌های پذیرفته شده را که بدهی آن‌ها در ترازنامه بانکی محسوب می‌شود، بصورت تسهیلات به متقاضیان بدهند و در ترازنامه خود آن را به عنوان دارایی منظور کنند. در الگوی مورد نظر محقق‌نیا بانک‌ها فقط مجاز به استفاده از مانده سپرده‌های دیداری در اعطای قرض‌الحسنه و اعتبار در حساب جاری هستند. بنابراین در این ایده، ایجاد و تاسیس دو موسسه مالی جدا از هم ضرورتی ندارد و بانک‌ها بصورت فعلی به فعالیت خود ادامه خواهند داد، اما در عین حال بانک‌ها صرفا مجاز به استفاده از منابع حاصل از سپرده‌های جاری در اعطای تسهیلات بدون سودند و نمی‌توانند از این منابع در اعطای تسهیلات سودآور استفاده کنند (محقق‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۹۹).

تفکیک حقوقی

این سطح از تفکیک، یک مرحله عمیق‌تر از سطح قبلی بوده و علاوه بر تفکیک حسابداری، بانک به دو موسسه مالی تقسیم می‌شود. یکی بانک‌هایی با شرایط بانک‌های محدود، که ارائه خدمات سپرده‌پذیری و نقل و انتقالات مالی را به عهده می‌گیرند و دیگری موسسه مالی که با فروش اوراق بهادار، برای افراد متقاضی تسهیلات منابع جذب می‌کنند. این موسسات نمی‌توانند حساب جاری داشته باشند، اما در مورد سپرده سرمایه‌گذاری و انواع آن مجاز می‌باشند (محقق‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۱۴). این دو موسسه مالی می‌توانند با مدیریت خاص خود کاملا مستقل عمل نمایند یا اینکه تحت یک هلدینگ یا مادر شرکت تخصصی، با مدیریت واحد و در عین حال از نظر مالی و عملیاتی کاملا مجزا فعالیت کنند.

اصل تخصص‌گرایی: دومین اصلی که در الگوی تفکیک باید رعایت شود، اصل تخصص‌گرایی است. تخصص گرایی و تقسیم وظایف از اصول بدیهی اقتصاد است. اصل تقسیم وظایف و تخصصی شدن وظایف سیستم بانکی و انجام هر یک از این وظایف در موسسات مالی مختلف و یا هر بخش و مجموعه مجزا از یک موسسه مالی امری اجتناب‌ناپذیر است. تفکیک و تخصص‌گرایی می‌توانند مکمل همدیگر باشند. تخصص‌گرایی و تقسیم وظایف سیستم بانکی به دو روش قابل اجراست: ۱. تخصص گرایی براساس نوع عقود و ۲. تخصص گرایی بر اساس نوع فعالیت اقتصادی (محقق‌نیا، ۱۳۹۳: ۳۰۲).

محقق‌نیا بیان داشته که این مدل قابلیت اجرا در سیستم‌های ربوی را دارد و در شرایط مختلف می‌توان از آن استفاده کرد. اصول سه گانه در طراحی این مدل، یعنی **تفکیک**، **تخصص‌گرایی** و **رعایت اصول شرعی**، هر یک مستدل و قابل دفاعند. در این الگو سه نوع موسسه مالی یا بانک طراحی شده است که به شرح زیر می‌باشند: ۱. بانک‌های قرض‌الحسنه که به تجهیز و تخصیص منابع مجانی می‌پردازند. ۲. بانک‌های سرمایه‌گذاری که به تجهیز سپرده‌ها و اوراق بهادار خاص می‌پردازند و تامین مالی پروژه‌های بزرگ و موسسات مالی نوع سوم را به عهده خواهند داشت. ۳. بانک‌ها یا موسسات مالی تجاری تخصصی که از طریق سفارش سپرده‌های خاص به بانک‌های سرمایه‌گذاری یا فروش اوراق بهادار به تجهیز غیرمستقیم می‌پردازند و به تامین مالی انواع متقاضیان بطور تخصصی و با استفاده از عقود مبادله‌ای می‌پردازند.

۴. نتیجه‌گیری

مطالبی که گذشت، بیان کننده الگوها و سازوکارهای مختلف اداره یک بانک مطابق با قوانین شرع و حذف ربا بود. به تبع هر یک از این الگوها دارای نقاط قوت و ضعفی می‌باشند. به منظور طراحی یک الگوی جامع، دقیق و عملیاتی در حوزه بانکداری اسلامی، مستلزم بررسی دقیق الگوهای عملی و نظری ارائه شده تا کنون می‌باشد. در همین راستا این تحقیق می‌تواند برای محققان آتی مورد استفاده و مفید واقع گردد. به عنوان مثال می‌توان از ایده الگوی بانکداری محدود یا الگوی دوباجه‌ای به منظور کنترل خلق پول بهره جست. یا با استفاده از ایده بانکداری مشارکتی در راستای نزدیک کردن فعالیت‌های بانک به بخش واقعی اقتصاد استفاده نمود. برای مشتریان ریسک گریز و خواهان سود کمتر اما از قبل مشخص شده هم می‌توان از ایده بانکداری وکالتی یا استفاده از عقود مبادله‌ای کمک گرفت. امید است که در آینده نزدیک شاهد اجرای الگویی کامل، کارا و شرعی در ممالک اسلامی باشیم.

منابع

۱. ابوجعفری، روح‌اله (۱۳۸۵)، " مدل‌سازی نقش بانک‌ها در تامین مالی صنایع کوچک و متوسط و ارائه الگوی مبتنی بر سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر(*VC*) "، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

۲. بهمند، محمد و بهمنی، محمود (۱۳۷۴)، " بانکداری داخلی "، تهران، مؤسسه عالی بانکداری.

۳. بید آباد، بیژن (۱۳۹۱)، " مقررات پیشنهادی برای شفافیت مالی حکمرانی و افشای اطلاعات بانک راستین"، ماهنامه بانک و اقتصاد، شماره ۱۱۷

۴. بیدآباد، بیژن (۱۳۹۰)، " بانکداری مشارکت در سود و زیان (*PLS*) و زیر سیستم‌های مشارکت مالی مضاربه (*MFS*) و مشارکت مالی جعاله (*JFS*)"، ماهنامه بانک و اقتصاد، شماره ۱۱۴.

۵. توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹)، " پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری "، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی هنری توانگران، چاپ اول.

۶. توکلی، محمدجواد (۱۳۸۰)، " بررسی بانکداری بدون ربا در کشور اردن و مقایسه اجمالی آن با چارچوب بانک داری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران "، مجله معرفت، شماره ۴۱

۷. خان محسن، میرآخور، عباس (۱۳۷۰)، " مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی "، ترجمه ضیائی بیگدلی، محمد، موسسه بانکداری ایران، تهران.

۸. داوودی، پرویز و محقق‌نیا، محمد جواد (۱۳۸۷)، " بانکداری محدود "، دوفصلنامه علمی- پژوهشی جستارهای اقتصادی، سال پنجم، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.

۹. داودی، پرویز و صمصامی، حسین (۱۳۸۷)، " اقتصاد پول و بانکداری "؛ تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۱۰. داودی، پرویز، میرجلیلی، حسین و آقا نظری، حسن (۱۳۷۳)، " پول در اقتصاد اسلامی" ؛ قم :پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۱. درویشی، ابراهیم، " نظریه‌های عقود در نظام بانکداری اسلامی "، تازه‌های اقتصاد، شماره نود، بی‌تا.

۱۲. رجایی، محمد (۱۳۷۹)، " مقایسه اجمالی تجهیز و تخصیص منابع پولی در دو نظام بانکی ربوی و غیرربوی در ایران "، مجله معرفت، شماره ۴۱.

۱۳. سیفلو، سجاد (۱۳۸۹)، " تحلیل مقایسه‌ای قابلیت تجهیز منابع مالی از طریق وکالتی و مشارکتی در نظام بانکداری بدون ربا و ارائه الگوی جدید برای بانکداری ایران "، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

۱۴. شعبانی، احمد و همکاران (۱۳۹۴)، " درآمدی بر بانکداری اسلامی "، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول

۱۵. شعبانی، احمد و سیفلو، سجاد (۱۳۹۰)، " مقایسه تطبیقی بانک‌داری وکالتی و مشارکتی و ارائه راهکاری جدید"، مجله معرفت اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره اول، پیاپی پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صفحه ۷۹ ـ ۱۱۳

۱۶. صدیقی، محمد نجات‌الله (۱۳۸۷)، " ربا، بهره بانکی و حکمت تحریم آن در اسلام "، ترجمه حسین میسمی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

۱۷. طالبی، محمد، کیایی، حسن (۱۳۹۱)، " ریشه‌یابی چالش‌های استفاده از عقود مشارکتی در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران " دوفصلنامه تحقیقات مالی اسلامی، شماره ۲.

۱۸. فرزین‌وش، اسدالله و شعبانی احمد (۱۳۸۱)، " بررسی عقود در بانکداری اسلامی "، پژوهشکده پولی و بانکی.

۱۹. قحف، منذر (۱۳۷۶)، " مقدمه‌ای بر اقتصاد اسلامی"؛ ترجمه عباس عربمازار؛ تهران :انتشارات برنامه و بودجه.

۲۰. محسنی، حسین (۱۳۹۳)، " مبانی بانکداری با رویکرد مالی"، تهران، انتشارات بورس وابسته به شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس، چاپ اول.

۲۱. محقق‌نیا، محمد جواد (۱۳۹۳)، " الگوی بانکداری اسلامی"، قم؛ مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(صلی الله علیه و آله و سلم).

۲۲. محقق‌نیا، محمد جواد (۱۳۹۲)، " ساختار بانکداری اسلامی و ارائه الگویی برای بانکداری اسلامی در ایران"، تهران؛ انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.

۲۳. مظاهری، طهماسب (۱۳۸۶)، " الگوی جایگزین برای نظام بانکی کشور"، مجموعه مقالات هجدهمین همایش بانکداری اسلامی

۲۴. موسویان، سید عباس و میسمی،حسین (۱۳۹۳)، " بانکداری اسلامی: مبانی نظری - تجارب عملی"، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی جمهوری اسلامی ایران، ویرایش سوم.

۲۵. موسویان، سیّدعبّاس(۱۳۸۵)، " بانکداری بدون ربا از نگاه شهید صدر"، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ششم، ش ۲۱، بهار ۱۳۸۵.

۲۶. موسویان، سیدعباس (۱۳۸۳)، " ارزیابی عملکرد سپرده‌های بانکی در بانک‌داری بدون ربای ایران "، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانک‌داری اسلامی، تهران، موسسه عالی بانک‌داری ایران.
۲۷. موسویان، سیدعباس (۱۳۸۲)، " انواع بانک‌های بدون ربا "، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۸۲.
۲۸. میرجلیلی، سیدحسین(۱۳۸۳)، " الگویی برای سازماندهی مجدد نظام بانکی "، فصلنامه نامه مفید، شماره ۴۲، خرداد و تیر ۱۳۸۳.
۲۹. میرجلیلی، سید حسین (۱۳۷۲)، "روند تکوین و تحول بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران"، مجله روند، شماره‌های ۱۳ و ۱۲.
۳۰. میسمی، حسین (۱۳۹۴)، " الگوهای مختلف اجرای بانکداری اسلامی؛ مقایسه تجربه ایران با سایر کشورها"، فصلنامه تازه‌های اقتصاد، سال یازدهم، شماره ۱۴۴، زمستان ۱۳۹۳ و بهار ۱۳۹۴، صفحات ۱۲۴-۱۳۰.

1- Ahmad, Ausaf(1997), "**Structure of deposits in selected Islamic banks: implication for deposit mobilization**" Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank, Jeddah, Saudi Arabia.
2- Ahmed, Ausaf (1993), "**Contemporary Practices of Islamic Financing Techniques**", Jeddah: IDB, IRTI Press.

,3- *The American* "***Reorganization of Islamic Banking:A new Proposal*** " *Anwar, Muhammad (1978) Journal of Islamic Social Science, Vol. 4, No.2.*
, Working Paper, 2002, No. 354."**Should Banks Be Narrowed?**"Bossone, Biagio.(2002)
4- Chapra, M.U(1982), "**Money and banking in an Islamic economy**", in M. Ariff (ed.) Monetary and fiscal economics of Islam, Jeddah: center for research in Islamic economics, king Abdul Aziz University.
5- Chapra, M. (2008), "**The Global Financial Crisis: Can Islamic Finance Help Minimize The Severity And Frequency of Such a Crisis In The Future?**", paper prepared at the Forum on the Global Financial Crisis, Islamic Development Bank
6- Lack of Profit-Loss Sharing in Islamic Banking: Management "Dar HA and Presley JR (2000), ., International Journal of Islamic Financial Servoces Vol.2 No.2"**and Control Imbalances**
Khan, M. S.(1986), "**Islamic Interest-Free Banking**", IMF Staff Papers.
7- Khan, Mohsin. S & Mirakhor, Abbas(1987), "**The financial system and monetary policy in an Islamic Economy**", research journal of in Islamic Economics.
8- Khan, Mohsin. S & Mirakhor, Abbas(1987), "**The Framework and Practice of Islamic Banking in Theoretical Studied in Islamic Banking and Finance**", edited by Mohsin S Khan. & Abbas Mirakhor (U S A), the institute for research and Islamic studies.
9- Khan, Mohsin. S(1995), "**Islamic interest free banking: a theoretical analysis**", in encyclopedia of Islamic banking and insurance.
2001.
10- Mirakhor, Abbas (1995), "**Theory of an Islamic Financial System**", in Encyclopaedia of Islamic Banking, London: Institute of Islamic Banking and Finance.
Nejatullah Siddiqi(1983), Mohammad, "**Banking without interest**", Leicester, The Islamic foundation.